



University of Tehran Press

The Concept of Accountability of International Organizations from the theory to the practice

Zahra Mahmoudi Kordi^{1✉} | Reihane Maqsoudi²

1. Corresponding Author; Assistant professor, Department of Law, Faculty of Law and political Science, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran. Email: Z.mahmoudi@umz.ac.ir
2. MA student in international law, Faculty of Law and political Science, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran. Email: reihanemaghsoudi@gmail.com

Article Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> <hr/> <p>Pages: 1607-1630</p> <hr/> <p>Received: 2021/09/01</p> <p>Received in revised form: 2022/01/02</p> <p>Accepted: 2022/02/27</p> <p>Published online: 2023/09/23</p> <hr/> <p>Keywords: <i>Accountability, Participation, Transparency, Complaint and Response, International organizations, External Stakeholders.</i></p>	<p>Globalization and emergence of global governance have changed the traditional structures of international law. As the result of a gradual undermining of the border between the domestic and international law and the expansion of interaction between global actors, having the mechanisms to manage them is necessary, mechanisms which create global administrative law. One of the important purposes of this new order is to increase the accountability of international organizations to external stakeholders, especially people and civil Society. Accountability as a new concept, has conjoint components ie participation, transparency, complaint. Application of these elements in international organizations system will increase the legitimacy of these actors. The question is, what is the practical status of accountability in international organizations? To answer this question, at first the article to describe the concept of accountability using the descriptive method, and then with analytical method and by virtue of the practice of some international organizations evaluate the status of accountability's elements. The article finds that under pressure of public opinion and growth of the rule of law in international law, accountability have been applied sporadically in some international organizations but its integrated implementation international organizations, the strengthening of global administrative law is an undeniable necessity.</p>
<p>How To Cite</p>	<p>Mahmoudi Kordi, Zahra; Maqsoudi, Reihane (2023). The Concept of Accountability of International Organizations from the theory to the practice. <i>Public Law Studies Quarterly</i>, 53 (3), 1607-1630. DOI: https://doi.com/10.22059/jpls.q.2022.329858.2876</p>
<p>DOI</p>	<p>10.22059/jpls.q.2022.329858.2876</p>
<p>Publisher</p>	<p>University of Tehran Press.</p>





انتشارات دانشگاه تهران

فصلنامه مطالعات حقوق عمومی

شاپا الکترونیکی: ۸۱۳۹-۲۴۲۳

دوره: ۵۳، شماره: ۳

پاییز ۱۴۰۲

Homepage: <http://jpls.ut.ac.ir>

مفهوم پاسخگویی سازمان‌های بین‌المللی از نظر تا عمل

زهرا محمودی کردی^۱ | ریحانه مقصودی^۲

۱. نویسنده مسئول؛ استادیار، گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.

رایانامه: Z.mahmoudi@umz.ac.ir

۲. دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.

رایانامه: Reihanemaghsoodi@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>صفحات: ۱۶۰۷-۱۶۳۰</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۰</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۰/۱۲</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۸</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: پاسخگویی، دادخواهی، ذی‌نفعان خارجی مشارکت، سازمان‌های بین‌المللی دولتی، شفافیت.</p>	<p>جهانی شدن و ظهور حاکمیت جهانی، ساختارهای سنتی حقوق بین‌الملل را دچار تغییر کرده است. در نتیجه اضمحلال تدریجی مرز میان حقوق داخلی و بین‌الملل و گسترش حوزه تعاملات میان بازیگران متنوع جهانی، وجود سازوکارهایی جهت اداره آنها ضروری است، مجموعه این سازوکارها حقوق اداری جهانی را شکل می‌دهد. یکی از اهداف مهم این نظم جدید، افزایش پاسخگویی سازمان‌های بین‌المللی دولتی در قبال ذی‌نفعان خارجی آنها به‌ویژه افراد و جامعه مدنی است. پاسخگویی، به‌عنوان مفهومی چندبعدی از عناصری به‌هم‌پیوسته یعنی مشارکت، شفافیت و دادخواهی تشکیل شده است، عناصری که کاربست آنها در نظام سازمان‌های بین‌المللی، افزایش مشروعیت این بازیگران جهانی را به ارمغان خواهد آورد. پرسش این است که منظور از پاسخگویی چیست و در سازمان‌های بین‌المللی در عمل چه جایگاهی دارد؟ برای پاسخ، مقاله ابتدا با روش توصیفی به تشریح مفهوم پاسخگویی پرداخته و سپس با روش تحلیلی و بهره‌گیری از رویه برخی از سازمان‌های بین‌المللی جایگاه عناصر پاسخگویی ارزیابی شده است. یافته پژوهش این است که اگرچه تعدادی از سازمان‌های بین‌المللی تحت فشار افکار عمومی و رشد حاکمیت قانون در نظام بین‌الملل، برخی از مؤلفه‌های پاسخگویی را به‌صورت پراکنده به‌کار گرفته‌اند، برای اجرای یکپارچه و گسترده آن در همه سازمان‌های بین‌المللی تقویت حقوق اداری جهانی ضرورتی انکارناپذیر است.</p>
استناد	محمودی کردی، زهرا؛ مقصودی، ریحانه (۱۴۰۲). مفهوم پاسخگویی سازمان‌های بین‌المللی از نظر تا عمل. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، ۵۳ (۳)، ۱۶۰۷-۱۶۳۰. DOI: https://doi.com/10.22059/jpls.2022.329858.2876
DOI	10.22059/jpls.2022.329858.2876
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

جهانی شدن به‌عنوان پدیده‌ای چندوجهی، آثار و پیامدهای چشمگیری را بر نظام حقوق بین‌الملل داشته و ارکان اصلی حقوق بین‌الملل سنتی را به چالش کشیده است. جهانی شدن، موجب ایجاد الگوهای جدید قدرت شده و در نتیجه تغییراتی گسترده را در شیوه رفتار بازیگران جهانی و نیز در ساختارهای جهان پیچیده کنونی پدید آورده است. اگرچه از نظر حقوق بین‌الملل سنتی، حاکمیت جهانی صرفاً در قالب افزایش تعداد اسناد حقوقی بین‌المللی یا سازوکارهای اجرایی قوی‌تر رخ نموده، واقعیت این است که ازدیاد بازیگران جهانی و از بین رفتن تدریجی تفکیک میان حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل مهم‌ترین وجوه حاکمیت جهانی در حقوق بین‌الملل مدرن به حساب می‌آیند تا جایی که سده بیست‌ویکم را می‌توان قرن تکثر نهادی دانست. در این عصر، بازیگرانی مانند سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی، نهادهای جامعه مدنی بین‌المللی، شرکت‌های چندملیتی یا فراملی، به‌عنوان موجودیت‌های هم‌عرض دولت‌ها قد علم کرده‌اند و تحت تأثیر جهانی شدن، اشکال نرم قاعده‌سازی گسترش یافته، حاکمیت دولت‌ها به تدریج ضعیف شده و اساس مشروعیت حقوق بین‌الملل بیش از گذشته مورد سؤال قرار گرفته است. در این میان، حقوق اداری جهانی به‌عنوان نظامی که در پی تنظیم و اداره فضای جهانی ایجاد شده است، از زاویه خاصی به این تغییرات نگاه می‌کند؛ تغییراتی که سبب شده تا اعمال اداری در روابط متقابل میان موجودیت‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی در سطوح مختلف به کار گرفته شود.

سازمان‌های بین‌المللی دولتی به‌مثابه سازه‌های ارزشمند نظام بین‌الملل و ضرورت اساسی زیست بین‌المللی نیز به‌عنوان بازیگران مهم جامعه جهانی از قاعده یادشده مستثنا نیستند. امروزه پیدا کردن حوزه‌ای از مناسبات بین‌المللی که تحت سیطره سازمانی درنیامده باشد، بسیار دشوار است و این ارگان‌های بین‌المللی در تمام عرصه‌های حیات بین‌المللی از اعماق اقیانوس‌ها و دریاها تا کهکشان‌های دور دست و از ذرات اتم تا جای جای خاک (زمانی، ۱۳۹۹: ۲۳) حضوری مؤثر دارند و بخش عمده‌ای از حقوق بین‌الملل معاصر به نحوه تنظیم روابط بین‌المللی از طریق این نهادهای فعال در سطوح جهانی و یا منطقه‌ای اختصاص یافته است و تصمیمات اتخاذی این سازمان‌ها در حوزه‌های مختلف اداری، حقوقی، اقتصادی، زیست‌محیطی، نظامی مانند اعطای وام، اداره سرزمین، استخدام کارکنان، اعمال تحریم‌های مختلف و درگیر شدن در عملیات نظامی مبارزه با تروریسم و سیاست‌گذاری و تنظیم استانداردهای بین‌المللی و ... به‌طور مستقیم حیات افراد را در سراسر جهان تحت تأثیر خود قرار داده است. افزایش فزاینده سازمان‌های بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم، افزایش روزافزون قدرت عمومی در این نهادها را در پی داشته و نگرانی‌های جدی را در مورد مشروعیت، مسئولیت و البته پاسخگویی آنها پدید آورده است. افزایش این نگرانی‌ها توأم با سرعت گرفتن فرایند جهانی شدن و کاستن از صلاحیت‌ها و حاکمیت‌های

ملی، سبب شد تا حکمرانی جهانی که مدت‌ها مفهوم رایج برای اشاره به مدیریت و حل و فصل مسائل جهانی بود، جای خود را به مفهوم جدیدتری با نام حقوق اداری جهانی بدهد. حقوق اداری جهانی برخلاف حکمرانی جهانی توجه ویژه‌ای به ابعاد حقوقی حکمرانی داشته و بر روش‌های افزایش مشروعیت بازیگران متنوع جهانی تمرکز دارد. در حقوق اداری جهانی، جامعه جهانی به مثابه یک اداره است که باید بر اساس اصول حقوق اداری، سامان یابد (Kingsbury et al., 2005: 18). حقوق اداری جهانی به عنوان تأسیسی نوظهور، در پی آن است که با بهره‌گیری از تجربه نظام‌های ملی و تطبیق آن بر شرایط جامعه جهانی، سازوکارهای خاص خود را ایجاد کند. از جمله حوزه‌های مهمی که حقوق اداری جهانی درصدد تنظیم آن برآمده، فرایند وضع قواعد توسط بازیگران جهانی و پاسخگویی آنهاست. حوزه دوم به حدی مهم است که به جرات می‌توان یکی از اهداف اصلی شکل‌گیری حقوق اداری جهانی را تضمین و افزایش میزان پاسخگویی بازیگران و نهادهای جهانی دانست. حقوق اداری این هدف را از طریق تضمین رعایت استانداردهای مربوط به شفافیت و مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و نیز فراهم کردن زمینه‌های لازم جهت نظارت بر اجرای قواعد و تصمیمات اتخاذ شده انجام می‌دهد. پاسخگویی دو بعد اصلی دارد؛ یک بعد آن شامل امور داخلی نهادهای جهانی و حل اختلافات میان آنها با کارکنان یا اعضا می‌شود که در قالب موضوع مورد بررسی ما از آن با عنوان پاسخگویی در برابر ذی‌نفعان داخلی یاد می‌شود و بعد دیگر بر حقوق ذی‌نفعان خارجی و حل مسائل میان نهادهای جهانی با اشخاص خصوصی خارج از آنها تمرکز دارد. بعد اخیر - که مورد توجه مقاله حاضر است - در مقایسه با حوزه نخست توسعه کمتری یافته است.

با توجه به جایگاه والای پاسخگویی در حقوق اداری جهانی و نیز افزایش نقش انکارناپذیر و رو به رشد سازمان‌های بین‌المللی دولتی در حقوق بین‌الملل جهانی بررسی روند پاسخگو شدن این نهادها موضوعی واجد اهمیت بسیار است. از این رو پژوهش حاضر با هدف شناساندن مفهوم و مؤلفه‌های پاسخگویی سازمان‌های بین‌المللی دولتی و پاسخ به این پرسش که اولاً مراد از پاسخگویی جهانی چیست و یک سازمان بین‌المللی پاسخگو در عمل چگونه عملکردی باید داشته باشد، به رشته تحریر درآمده است و سعی دارد تا با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و بررسی نحوه عملکرد برخی از سازمان‌های بین‌المللی دولتی، مؤلفه‌های اصلی پاسخگویی این نهادهای جهانی و نحوه کاربست آنها را تشریح کند. برای این منظور بخش اول به بررسی مفهوم پاسخگویی و تمایز آن از مسئولیت بین‌المللی اختصاص یافته و در بخش دوم قلمرو و گستره آن شرح داده شده است. بخش سوم نیز به مسئله اساسی مؤلفه‌های اصلی پاسخگویی از دریچه عملکرد برخی سازمان‌ها می‌پردازد و در بخش چهارم و جهت بررسی عملی پاسخگویی سازمان‌های بین‌المللی، عملکرد آنها در چارچوب مسئولیت حمایت بررسی و در پایان نیز نتیجه‌گیری ارائه شده است.

۲. مفهوم‌شناسی

پاسخگویی مفهومی میان‌رشته‌ای و به تعبیر مارک بوونز، مفهومی گسترده است که مفاهیم حقوقی مختلفی از جمله شفافیت، انصاف، دموکراسی، مسئولیت و سودمندی را در خود جای داده است (Bovens, 2007: 449) است. در علم حقوق، گاه تعابیر مشابهی همچون مسئولیت با پاسخگویی خلط شده است، از این رو شناخت این مفهوم به‌عنوان یکی از مفاهیم اساسی حقوق اداری جهانی که مؤید نظام هنجاری حاکم بر روابط میان ذی‌نفعان و مکلفان در سطح جامعه جهانی است، اهمیت بسیار دارد.

۱.۲. معانی مختلف پاسخگویی

در سیاق کلی از دو زاویه متفاوت به پاسخگویی نگریسته می‌شود؛ پاسخگویی به‌عنوان یک خصوصیت و ویژگی و به‌عنوان یک سازوکار. حالت اول مفهومی است که بر اساس آن، رفتار بازیگران دولتی یا نحوه عملکرد سازمان‌ها و نهادهای فعال در آن حوزه بر اساس یک سری معیارها، ارزیابی می‌شود. اما حالت دوم به معنای وجود ترتیبات نهادی است که بر اساس آن یک موجودیت در برابر موجودیت(های) دیگر پاسخگو بوده و متعهد است اقدامات خود را تشریح کند (Bovens, 2010: 947-948-950). در حوزه مورد بحث ما یعنی سازمان‌های بین‌المللی از مفهوم جدیدتری با عنوان پاسخگویی اجتماعی^۱ نیز یاد می‌شود. این مفهوم از اواخر دهه هفتاد در آمریکای لاتین و به‌عنوان جایگزینی برای مسئولیت اجتماعی^۲ پدید آمد و سپس به عرصه بین‌المللی راه یافت (Meehan et al., 2006: 386). پاسخگویی اجتماعی، بیانگر میزان اثربخشی و بازدهی یک سازمان در پیگیری ایفای مسئولیت‌های اجتماعی‌اش است (الوانی و احمدی، ۱۳۹۲: ۹). در بعد داخلی، سازوکار پاسخگویی اجتماعی، سبب کاهش سوءاستفاده از قدرت، ارتقای جایگاه اصل به زمامداری و افزایش اعتماد افراد خواهد شد. ضمن آنکه، افراد را به شهروندان فعال تبدیل می‌کند که می‌توانند با نهادهای پاسخگو در تعامل باشند. بنابراین با بهبود جایگاه پاسخگویی اجتماعی و چنانچه این مقوله به شیوه‌ای سازنده به کار گرفته شود، می‌تواند به‌عنوان محملی برای تغییر روابط شهروندان و جوامع مدنی با نهادهای پاسخگو و ایجاد نوعی همکاری میان آنها عمل کند (UNDP Report on Social Accountability in Changing Region – Actors and Mechanisms, 2014:13)

در عرصه بین‌المللی نیز، اساس نظریه پاسخگویی اجتماعی مبتنی بر سهم جامعه مدنی از جمله جنبش‌های اجتماعی، سازمان‌های غیردولتی، اتحادیه‌های کارگری و... در ارزیابی عملکرد سازمان‌های بین‌المللی است (Pereira et al., 2017: 8). ایده پاسخگویی اجتماعی معتقد است که حضور نهادهای

1. Social Accountability
2. Social Responsibility

جامعه مدنی می‌تواند شکاف میان سازمان‌های بین‌المللی دولتی و اشخاص متأثر از اقدامات و تصمیمات آنها را کاهش دهد و میان سازمان‌ها با افراد، نهادهای غیردولتی و دولت‌های عضو ارتباط نزدیکی ایجاد کند (Pereira et al., 2017: 6).

در واقع هدف نظریه پاسخگویی اجتماعی، این است که مشارکت شهروندان و افراد متبوع کشورها را افزایش دهد و آنها را از وضعیت انفعال در برابر اقدامات سازمان‌های بین‌المللی خارج کند و با اعطای حق مشارکت و دادخواهی به آنها امکان نظارت و پیگیری تصمیمات و اقدامات سازمان را برای آنها فراهم سازد. در واقع ایده پاسخگویی اجتماعی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های مدنی است. هر قدر که جامعه بین‌المللی به سمت حاکمیت قانون سوق داده شود، پاسخگویی اجتماعی نیز مؤثرتر عمل خواهد کرد. از این رو می‌توان گفت سازمان‌هایی که قائل به مفهوم پاسخگویی اجتماعی بوده و عناصر آن را در ساختار و رویه خود ایجاد کرده‌اند، در واقع حقوق بشر را تأیید و اجرا می‌کنند، ولو آنکه به‌صراحت آن را بیان نکنند (Ackerman, 2005: 7). از سوی دیگر، این مهم که سازمان‌های بین‌المللی پس از جنگ جهانی به بازیگران مهمی در جامعه بین‌المللی تبدیل شده‌اند که اقداماتشان می‌تواند بر حقوق افراد تأثیر بگذارد و در نتیجه احتمال نقض حقوق بشر توسط این نهادها را افزایش داده است، برای توجه به اهمیت جایگاه پاسخگویی اجتماعی سازمان‌های بین‌المللی کفایت می‌کند. از این منظر، یکی از چالش‌های اساسی نظام کنونی حاکم بر سازمان‌های بین‌المللی این است که این نهادها به‌عنوان بازیگران عرصه حکمرانی جهانی، فاقد ارتباط دموکراتیک با اشخاص متأثر از تصمیماتشان بوده و همچنین سازوکارهای نظارتی پیش‌بینی شده برای دادخواهی ذی‌نفعان، اندک است. با توجه به جامع‌الشمول بودن مفهوم پاسخگویی اجتماعی در این مقاله منظور از پاسخگویی همین تعبیر است.

۲.۲. تمایز پاسخگویی از مسئولیت بین‌المللی

پاسخگویی سازمان‌های بین‌المللی مفهومی اگرچه مرتبط، اما متفاوت از مسئولیت بین‌المللی آنهاست. نظام مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی علی‌رغم همه کاستی‌هایی که دارد، پس از تلاش‌های مستمر کمیسیون از سال ۲۰۰۲ میلادی و با تنظیم طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل (مصوب ۲۰۱۱) و نیز وجود رویه قضایی هرچند اندک، ساختار نسبتاً منسجمی به خود گرفته، اما پاسخگویی سازمان‌ها هنوز در مراحل ابتدایی است و تا انسجام راهی طولانی در پیش دارد. با این حال رشد هنجارهای حقوق بشری در پی جهانی شدن حقوق بین‌الملل و پیدایش مفهوم حقوق اداری جهانی در دهه‌های اخیر در کنار افزایش

۱. واضح است که اگرچه مواد طرح کمیسیون در شکل یک سندی الزام‌آور تنظیم نشده، اما صرف‌نظر از ارزش علمی آن اهمیت این مواد به‌عنوان تدوین اصول و قواعد پذیرفته‌شده عرف بین‌المللی مورد تأیید است.

حوزه صلاحیت‌های سازمان‌ها، افزایش میزان اثرگذاری تصمیمات آنها بر افراد و موجودیت‌های غیردولتی، انجام عملیات اجرایی در کشورهای مختلف، برقراری روابط حقوقی با افراد و البته خلأهای نظام مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی، همگی سبب افزایش نیاز به پاسخگویی سازمان‌های بین‌المللی شده است. بر اساس مواد طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل کارکرد و رسالت نظام مسئولیت (قواعد ثانویه) تعیین نتایج حقوقی نقض قواعد اولیه حقوق بین‌الملل توسط سازمان‌هاست و هدف آن جلب اعتماد، ایجاد امنیت حقوقی و جبران خسارت‌های وارده است. بدیهی است این رسالت زمانی به صورت مؤثر و کارا تحقق می‌یابد که قواعد مسئولیت سازمان‌ها توسط تمامی اعضای جامعه بین‌المللی و فعالان عرصه جهانی قابل مطالبه و پیگیری باشد. اما چنانکه از متن و تفسیر مواد طرح برمی‌آید، این مهم نادیده گرفته شده است. از این رو مهم‌ترین کاستی‌های طرح مزبور را می‌توان پرداختن صرف به مسئولیت سازمان‌ها در برابر دولت‌ها و نادیده گرفتن جایگاه افراد^۱ و بازیگران غیردولتی زیان‌دیده و بی‌توجهی به نتایج زیانبار ناشی از اقدامات قانونی و روزانه سازمان‌ها دانست. به عکس، در فرایند پاسخگویی بر احقاق حقوق افراد معمولی که رابطه کاری و استخدامی با سازمان ندارند و نیز بازیگران غیردولتی (سازمان‌های غیردولتی و نهادهای جامعه مدنی) که در اصطلاح ذی‌نفعان خارجی نامیده می‌شوند، تأکید می‌شود. همچنین پاسخگویی دامنه گسترده‌ای از فعالیت‌های یک سازمان بین‌المللی را شامل می‌شود، فعالیت‌هایی که اغلب اقدامات قانونی و روزمره سازمان هستند (Boon & Megret, 2019: 5). این نکته را هم باید یادآور شد که نظام پاسخگویی برخلاف مسئولیت، صرفاً محدود به هنجارهای ثانویه نیست. با توجه به آنچه بیان شد، طرح مواد مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی، نمی‌تواند چارچوبی برای پاسخگویی این نهادها باشد. گو آنکه، سازمان‌های بین‌المللی را صرفاً در حصار روابط میان یکدیگر و یا دولت‌ها دیده و از اثرگذاری آنها بر سایر اعضای جامعه بین‌المللی غفلت کرده است، اما در نظم حقوقی جهانی شده، مسئولیت‌پذیری سازمان‌های بین‌المللی نباید سرپوشی بر ضرورت پاسخگویی آنها باشد.

در حال حاضر مهم‌ترین سندی که به پاسخگویی سازمان‌های بین‌المللی پرداخته، گزارش مؤسسه حقوق بین‌الملل با عنوان پاسخگویی سازمان‌های بین‌المللی است. بر اساس این گزارش، پاسخگویی به‌عنوان یک اصل مهم حقوق بشری با میزان قدرت یک سازمان بین‌المللی در ارتباط است و تمامی اقدامات یک سازمان اعم از حقوقی، سیاسی، اداری و مالی را در برمی‌گیرد. از شرح برخی از اصول به

۱. هرچند در حال حاضر سازوکارهایی در قالب دفاتر، کمیسیون‌ها و دادگاه‌های اداری در برخی از سازمان‌های بین‌المللی فعال‌اند که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به دادگاه اداری سازمان ملل و سازمان بین‌المللی کار اشاره کرد، اما صلاحیت این دادگاه‌ها فقط محدود به اختلافات درون‌سازمانی بوده و در نتیجه رسیدگی به شکایات افراد خارج از سیستم سازمان در این محاکم منتفی است.

کارگرفته شده در گزارش‌های موسسه حقوق بین‌الملل^۱، می‌توان دریافت که پاسخگویی شامل هنجارهای اولیه مربوط به نحوه تنظیم سیاست‌های یک سازمان بین‌المللی یا همان هنجارهای به زمام داری نیز می‌شود. این هنجارهای اولیه شامل عناصری مثل شفافیت در روند تصمیم‌گیری و نیز اجرای تصمیمات، مشارکت عمومی، دسترسی به اطلاعات برای ذینفعان می‌باشد. (The International Law Association, Berlin conference 2004: 8). این اصول باید عملکرد سازمان‌ها را تعریف و محدود سازند، در راستای مقابله با کمبود دموکراسی در سازمان‌های بین‌المللی عمل کنند و بر تمامی فعالیت‌های سازمان‌ها حاکم شوند (Hafner, 2003: 240)

بدیهی است که بهره‌گیری از دیدگاه‌های مؤسسه حقوق بین‌الملل در خصوص پاسخگویی، می‌توانست بخشی از کاستی‌های طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی را مرتفع و آن را به سندی جامع و همسو با شرایط حقوق بین‌الملل جهانی شده بدل سازد؛ این مهم محقق نشد، اما با قوت گرفتن تئوری حقوق اداری جهانی در ادبیات حقوق بین‌الملل، دیگر بار توجهات به اهمیت پاسخگویی جلب شده است.

۳. گستره پاسخگویی

یکی از مباحث مهم در چارچوب پاسخگویی این است که در عصر جهانی شدن، سازمان‌ها نسبت به چه موجودیت‌هایی باید پاسخگو باشند. به تعبیر فریمن از نظریه‌پردازان این حوزه، منظور از ذی‌نفع، هر شخص حقیقی یا حقوقی است که می‌تواند بر یک سازمان بین‌المللی مشخص تأثیر بگذارد یا از آن تأثیر بپذیرد (Freeman, 1984: 601). از این رو ذی‌نفعان را می‌توان از دو زاویه داخلی و خارجی بررسی کرد. ذی‌نفعان داخلی در واقع همان موجودیت‌های تأثیرگذار بر سازمان هستند که در اساسنامه هر سازمان مشخص شده‌اند، از این رو تشخیص آنها کار دشواری نیست. در مقابل، ذی‌نفعان خارجی، دسته‌بندی مشخصی ندارند و شامل تمامی افراد و گروه‌هایی می‌شود که رابطه رسمی با سازمان ندارند، اما تصمیمات و فعالیت‌های سازمان آنها را متأثر می‌سازد.

به‌طور کلی می‌توان گفت که در نظام پاسخگویی، سازمان‌های بین‌المللی در قبال تمامی موجودیت‌های عضو جامعه جهانی پاسخگو هستند، مشروط بر آنکه منافع یا حقوق آنها تحت تأثیر اعمال، اقدامات و فعالیت‌های یک سازمان بین‌المللی قرار گیرد. بر این اساس، می‌توان گستره وسیعی از

۱. در گزارش‌های مؤسسه حقوق بین‌الملل از اصولی همچون حسن نیت، تعادل نهادی، نظارت و کنترل، ذکر دلایل برای تصمیمات یا اقدامات خاص، تناسب، نظم رویه‌ای، عینیت و بی‌طرفی، مراقبت مقتضی و ترویج عدالت برای تحقق پاسخگویی سخن به میان آمده است.

See: The International Law Association, Final Report, Berlin Conference 2004. Accountability of international Organizations.

ذی‌نفعان را نام برد که از کارکنان سازمان، کشورهای عضو، ارگان‌های نظارتی داخلی، سایر سازمان‌های بین‌المللی دولتی تا سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی (ملی و بین‌المللی) و اشخاص خصوصی (حقیقی و حقوقی) را در برمی‌گیرد. برخلاف استانداردهای سنتی حقوق بین‌الملل که وجود سازوکارهای شکایت در ساختار سازمان‌ها برای ذی‌نفعان خارجی را مسئله‌ای حیاتی نمی‌دانست، در نظام پاسخگویی، فقدان چنین سازوکارهایی نقص محسوب شده و از آن با عنوان *شکاف ساختاری* یاد می‌شود (Blokker & Schermers, 2001: 483). برای تضمین هرچه بیشتر پاسخگویی سازمان‌های بین‌المللی، تقویت فرایندهای دادخواهی و تعمیم آن به ذی‌نفعان خارجی نقشی کلیدی دارد. امروزه سازمان‌های بین‌المللی اقداماتی را در قالب ایجاد دادگاه‌های اداری یا دفاتر حل‌وفصل اختلافات برای رسیدگی به اختلافات میان ذی‌نفعان داخلی و سازمان انجام داده‌اند، اما هنوز شرایط برای دادخواهی فراگیر ذی‌نفعان خارجی مهیا نیست و افراد و سازمان‌های غیردولتی^۱ با محدودیت‌های حقوقی زیادی مواجهند.

۴. تحلیل عناصر پاسخگویی

یک سازمان بین‌المللی پاسخگو باید در ساختار سازمانی خود سه عنصر اساسی مشارکت، شفافیت و جبران خسارت را نسبت به تمامی ذی‌نفعان خود پیش‌بینی کند. وجود این عناصر برای تحقق مشروعیت نظام بین‌الملل که هنوز رویه‌های دموکراتیک در آن نفوذ چندانی پیدا نکرده، حائز اهمیت بسیار است (Risse, 2006: 183).

سازمان غیردولتی موسوم به اعتماد جهانی^۲ که در راستای پاسخگویی بیشتر نهادهای حاکمیت جهانی تلاش می‌کند، گزارشی را با عنوان پروژه پاسخگویی جهانی (گپ)^۳ منتشر کرده است. در این گزارش، چندین نهاد بین‌المللی شامل سازمان‌های بین‌المللی دولتی، غیردولتی و شرکت‌های چندملیتی بر اساس عناصر پاسخگویی ارزیابی شده است که در میان آنها هفت سازمان بین‌المللی دولتی با صلاحیت‌های مختلف و رده‌بندی‌های جهانی و منطقه‌ای یعنی سازمان ملل متحد (برنامه جهانی غذا، برنامه توسعه، برنامه محیط زیست)، شورای اروپا، اتحادیه آفریقا، بانک توسعه آسیا، بانک توسعه آمریکا، سازمان همکاری‌های امنیتی اروپا و بانک توسعه اسلامی به چشم می‌خورد. از آنجایی که طبق تحقیقات به‌عمل آمده، گزارش‌های این نهاد از کامل‌ترین اسناد موجود در حوزه پاسخگویی بوده و اطلاعاتی را که

۱. شایان توضیح است که پاسخگویی سازمان در قبال دولت‌های عضو، کارکنان و حتی سایر دولت‌ها و سازمان‌های دولتی به‌سبب منافع که مستقیم یا غیرمستقیم در سازمان دارند و ممکن است این منافع تحت تأثیر اقدامات سازمان قرار گیرد، پذیرفتنی‌تر است.

2. One World Trust

3. Global Accountability Project (GAP)

در وبسایت بسیاری از سازمان‌ها موجود نیست، می‌توان در لابه‌لای گزارش‌های آن جست‌وجو کرد، از این‌رو در بررسی عملی عناصر پاسخگویی، از آخرین اطلاعات مندرج در گزارش‌های این سازمان استفاده شده است.

۱.۴. مشارکت

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، در تدوین سیاست‌های ناظر بر مشارکت عمومی بیان می‌دارد که اصلاح سازوکارهای حکمرانی، تقویت فرایندهای دموکراتیک و احترام به حقوق بشر از مهم‌ترین شاخص‌های مشارکت هستند. این نهاد همچنین استفاده مؤثر از سازمان‌های محلی و بخش خصوصی را به‌عنوان راه‌های تحقق اصل مشارکت مورد توجه ویژه قرار داده است (رحمتی‌فر، ۱۳۹۴: ۲۰۵). به‌واقع در حقوق بین‌الملل جهانی شده، تصمیم‌گیری نهادهای عمومی را نمی‌توان عمل اداری محضی دانست که در درون مجموعه‌ای بسته به نام سازمان انجام می‌گیرد، بلکه فعالیتی است که مشارکت هرچه بیشتر شهروندان و سایر ذی‌نفعان را طلب می‌کند، زیرا این تصمیمات علاوه بر حقوق افراد، کیفیت زندگی، شرایط زیست‌محیطی و حتی بهای کالاها را متأثر می‌سازد. عدالت اداری دارای دو بعد پیشینی و پسینی است. طبق بعد نخست، باید لوازم مشارکت ذی‌نفعان در فرایند تصمیم‌گیری مهیا شود و مطابق بعد دوم فرایندهای دادخواهی و جبران در دسترس قرار گیرد. از این‌رو حق تأثیرگذاری ذی‌نفعان بر تصمیمات سازمانی، پیش از اتخاذ آنها، به‌عنوان یکی از اصول پایه‌ای حقوق اداری شناخته می‌شود (رستمی و رنجبر، ۱۳۹۳: ۱۲۱). حقوق اداری جهانی نیز می‌کوشد بازیگران جهانی را در این مسیر قرار دهد. مشکلی که برای اجرای این اصل نسبت به سازمان‌های بین‌المللی وجود دارد این است که ذی‌نفعان خارجی به‌ویژه افراد و فعالان جامعه مدنی - به‌رغم تأثیرپذیری از تصمیمات سازمان - فاقد هرگونه قدرت رسمی برای نظارت یا کنترل تصمیمات سازمان هستند.^۱ بنابراین هدف اصلی مشارکت باید افزایش راه‌های مداخله ذی‌نفعان خارجی در تصمیم‌گیری نهادهای جهانی باشد. همچنین از منظر عدالت قضایی شاید مهم‌ترین مسئله این باشد که مردم احساس کنند به‌طور منصفانه مجازند تا در حل مشکلات و تعارضات خود از طریق ارائه نظرها و پیشنهادهای مشارکت داشته باشند (Teyler, 2005: 445). در همین زمینه طی دهه‌های گذشته برخی از سازمان‌های بین‌المللی تلاش کرده‌اند تا از طریق تأسیس محاکم، کمیته‌ها و یا در برگزاری کنفرانس‌ها، زمینه مشارکت ذی‌نفعان خارجی را فراهم سازند. بی‌شک مواجهه سازمان‌های بین‌المللی با

۱. شایان ذکر است که حتی در سطح اعضای رسمی بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی مثل بانک جهانی، ملل متحد (شورای امنیت)، صندوق بین‌المللی پول نیز ساختارهایی است که به برخی از اعضا نسبت به سایرین قدرت بیشتری برای مداخله در امور می‌دهد.

بحران مشروعیت در اتخاذ این نگرش تأثیر بسزایی داشته است (Backstrand, 2006: 477_478). در واقع سازمان‌ها سعی دارند تا با جلب مشارکت ذی‌نفعان خارجی در تصمیم‌گیری‌ها، اعتبار و مشروعیت درونی^۱ و بیرونی^۲ خود را بهبود بخشند (Bernstein, 2011: 17).

هرچند پاسخگویی واقعی با شناسایی ذی‌نفعان خارجی و فراهم آمدن زمینه حضور آنها یا نمایندگانشان در روند تصمیم‌گیری و تنظیم سیاست‌های سازمان فراهم می‌شود، اما پیش‌بینی نهاد شکایت و دادخواهی تضمینی بر اجرای این فرایند است، زیرا به ذی‌نفعان محروم‌شده از مشارکت، امکان طرح شکایات علیه سازمان را می‌دهد. همچنین لازمه مشارکت معنادار در تصمیم‌گیری، دسترسی به اطلاعات و شفافیت فرایند تصمیم‌گیری است (Kingsbury et al., 2005: 38). به این ترتیب می‌توان گفت اجرای مؤثر مؤلفه مشارکت در گرو اجرای مؤلفه‌های دیگر یعنی شفافیت و دادخواهی است و این سه عنصر در تعامل با یکدیگر تحقق می‌یابند.

گزارش گپ نشان می‌دهد که سازمان‌های بین‌المللی دولتی مورد بررسی، از حیث تعامل با ذی‌نفعان خارجی در جایگاه دوم و پس از سازمان‌های غیردولتی قرار دارند. برخی سازمان‌ها مثل اتحادیه آفریقا، شورای اروپا، سازمان ملل (برنامه‌های یونپ، غذا و توسعه) از برنامه‌های کلی فراتر رفته و اسنادی را در خصوص تعامل با جامعه مدنی صادر نکرده‌اند که میزان و محدوده دخالت نهادهای جامعه مدنی را به‌روشنی مشخص می‌سازد (Lloyd et al., 2007: 29). در مجموع، شورای اروپا و برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد (یونپ) بهترین عملکرد را برای مشارکت جامعه مدنی در فرایند تصمیم‌گیری دارند. در ساختار شورای اروپا درمی‌یابیم نهادی تحت نام کنفرانس سازمان‌های غیردولتی وجود دارد که سازمان‌های غیردولتی به‌صورت منظم و سالانه در آن گرد هم می‌آیند تا در خصوص شناسایی حوزه‌های اولویت‌دار برای تعامل با شورا تبادل نظر کنند. مشارکت در این کنفرانس، سازمان‌های غیردولتی را قادر می‌سازد تا از سیاست، برنامه‌ها و اقدامات شورای اروپا، آگاه شوند. همچنین برای اجرای تصمیمات کنفرانس و نیز تسهیل گفت‌وگوها، ساختاری دائمی با نام کمیته رابط ایجاد شده است که ارتباط میان سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی و شورای اروپا را تسهیل می‌کند.

یونپ، مشارکت جامعه مدنی را به دو روش محقق می‌سازد؛ اولاً سازمان‌های غیردولتی معتبر می‌توانند اظهارات کتبی خود را درباره دستور کار شورای حکام یونپ منتشر کرده، به‌عنوان ناظر در جلسات عمومی کمیته شرکت کنند و اظهارات شفاهی خود را ارائه دهند؛ ثانیاً یونپ به‌منظور تقویت مشارکت

۱. مشروعیت درونی یا input legitimacy اصطلاحی است که برای کیفیت فرایندهای تصمیم‌گیری در سازمان‌ها استفاده می‌شود.

۲. مشروعیت بیرونی یا output legitimacy برای اشاره به اثربخشی تصمیمات و اقدامات یک سازمان در خارج از آن استفاده می‌شود.

جامعه مدنی به تأسیس دو نهاد یعنی مجمع جهانی جامعه مدنی^۱ و کمیته راهبردی جهانی مبادرت کرده است. وظیفه این ارکان، ارائه رهنمود به سازمان‌های غیردولتی است که تقویت نفوذ جامعه مدنی در یونپ را در پی دارد.

در مجموع برای بهبود وضعیت مشارکت، لازم است تا سازمان‌های بین‌المللی به نحوه شناسایی ذی‌نفعان و مشارکت آنها در امور سازمان توجه نشان دهند و علاوه بر مشارکت دادن ذی‌نفعان خارجی در فرایند تصمیم‌گیری سازمان، نهادهای اجرایی مستقل و قوی ایجاد کنند تا ضمن نظارت بر کار کارکنان، روند مشارکت نهادین و منسجم شود. افزون بر این فعالیت‌ها و زمینه‌هایی که ذی‌نفعان می‌توانند در آنها مشارکت کنند، می‌بایست مشخص شود، در صورت رد درخواست مشارکت ذی‌نفعان، دلایل آن توضیح داده شده و نتایج حاصل از مشارکت افشا گردد. از همه مهم‌تر اینکه در نتیجه مشارکت ذی‌نفعان خارجی شاهد تغییر در سیاست‌ها و عملکردهای سازمان باشیم، مؤثرترین راه تحقق مشارکت نیز دعوت از سازمان‌های غیردولتی (به‌عنوان نماینده افراد) در فرایند تصمیم‌سازی است، چراکه حضور افراد معمولاً مستلزم به‌کارگیری فرایندهای طولانی است و الزاماً به مشارکت معنادار ذی‌نفعان منجر نمی‌شود.

۲.۴. شفافیت

عنصر شفافیت، مبین دسترسی به موقع ذی‌نفعان به اطلاعات، فعالیت‌ها و سیاست‌های سازمان است. طبیعتاً پذیرش این مسئله برای سازمان‌هایی که رویه آنها به‌طور سنتی مبتنی بر محرمانگی و عدم افشاست، کار آسانی نیست، به‌ویژه سازمان‌هایی که در حوزه امنیت بین‌المللی فعال‌اند. برای مثال شورای امنیت سازمان ملل که اقدامات اداری و اجرایی مختلفی را انجام می‌دهد که بعضاً از جنس تصمیمات اداری نهادهای عمومی داخلی کشورهاست، از ۱۱ سپتامبر به این سو، شورا اختیارات گسترده‌ای را برای مقابله با تروریسم اعمال کرده است، اقداماتی که شهروندان کشورهای مختلف را متأثر می‌سازد، اما در مقابل، هیچ سازوکار مشخصی برای دسترسی افراد متأثر به اطلاعات مربوط به تصمیمات صادره و یا دادخواهی وجود ندارد. شفافیت دو بعد اصلی دارد، یکی دسترسی به موضوعات مورد بحث، سیاست‌ها و سایر مدارک مهم سازمان و دیگری دسترسی به فرایند تصمیم‌گیری در ارگان‌های سازمان. در حال حاضر، اغلب سازمان‌های بین‌المللی تمایلی به ایجاد شفافیت در حوزه دوم ندارند، نهادهایی همچون سازمان همکاری و توسعه اقتصادی سازمان تجارت جهانی، گروه بانک جهانی و کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل که صورت‌جلسات ارگان‌های خود را برای عموم افشا می‌کند، انگشت‌شمارند (Burall & Neligan, 2005: 14).

۱. این مجمع از طریق بیانیه‌های منطقه‌ای که به شورای همکاری داخلی ارائه می‌دهد، جامعه مدنی را در گفت‌وگوهای اساسی زیست‌محیطی درگیر می‌سازد.

نکته قابل تأمل در گزارش گپ این است که سازمان‌های بین‌المللی دولتی مورد بررسی در به‌کارگیری سازوکارهای کمی و کیفی شفافیت نسبت به سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی و شرکت‌های چندملیتی عملکرد مطلوب‌تری داشته‌اند، این آمار نشان‌دهنده روند رو به رشد حرکت نهادهای عمومی بین‌المللی به سمت اتخاذ رویکردهای منسجم‌تر در افشای اطلاعات است. با وجود این هرچند بیشتر نهادهای مورد ارزیابی، اطلاعات خود را منتشر می‌کنند و مقرراتی درباره تعهد به شفافیت دارند، اما فقط برخی از آنها یعنی شورای اروپا، برنامه توسعه ملل متحد، یونپ، بانک توسعه آسیا و بانک توسعه اسلامی واجد راهنمای نحوه ارائه اطلاعات هستند. برنامه توسعه ملل متحد و بانک توسعه آسیا سازوکارهای تجدیدنظرخواهی را نیز ایجاد کرده‌اند. این سازوکارها به ذی‌نفعان خارجی که تقاضای آنها برای دریافت اطلاعات رد می‌شود، امکان تجدیدنظرخواهی می‌دهد (Lloyd et al., 2007: 22).

برنامه توسعه ملل متحد، سیاست افشای اطلاعات^۲ را برای اطلاع‌رسانی عمومی برنامه، عملکرد و فعالیت‌های این نهاد ایجاد کرده است. از اجزای اصلی این سیاست، پیش‌بینی هیأت نظارت بر مستندات است که علاوه بر نظارت بر عملکرد این نهاد در اجرای سیاست افشا، در خصوص اصلاح آن نظر داده و همچنین به درخواست‌های افشایی که توسط دفتر حقوقی برنامه توسعه ملل متحد رد شده‌اند، رسیدگی می‌کند. این سازوکار نظارتی اگر فعالانه عمل کند، می‌تواند تضمین مؤثری برای ایجاد شفافیت در برنامه توسعه ملل متحد باشد. بانک توسعه آسیا نیز سیاست افشای اطلاعات را با ایجاد واحد افشای اطلاعات عمومی^۳ آغاز کرده است. بانک مزبور تمام درخواست‌ها - اعم از قبول یا رد شده - را در وبسایت خود منتشر می‌کند. واحد افشای اطلاعات عمومی علاوه بر آموزش به کارکنان و مدیریت درخواست‌ها، ذی‌نفعان را با الزامات جدید افشای اطلاعات آشنا می‌سازد. همچنین با برگزاری دوره‌هایی اقدام به آموزش مقامات دولتی، مشاوره به سازمان‌های غیردولتی و افراد در مورد حق آنها برای دسترسی به اطلاعات می‌کند (Burall & Neligan, 2005: 15-16).

به‌طور کلی، در جهت اعتلای شفافیت سازمانی و دسترسی ذی‌نفعان به تمامی اطلاعات مورد نیاز، هر سازمان باید اولاً اقدام به ایجاد سازوکاری جهت پیشبرد، نهادینه‌سازی و پیگیری مطالبات مربوط به اجرای سیاست‌های شفاف‌سازی کند، روند حاکم بر افشای اطلاعات خود را به‌نحوی شفاف اعلام کند، به بیان دیگر هر سازمان باید سیاست افشای مشخصی داشته باشد که از طریق آن، موضوعات قابل افشا از مسائل غیرقابل افشا تمییز داده شده و هم دلایل و معیارهای سازمان برای موضوعات غیرقابل افشا

۱. طبق گزارش مزبور سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی ۴۳ و شرکت‌های فراملی تنها ۳۰ امتیاز از صد را از به‌کارگیری عنصر شفافیت کسب کرده‌اند.

2. Information Disclosure Policy (IDP)

3. InfoUnit

معلوم گردد. طبق سیاست ایجاد شفافیت، وضوح اقدامات و اهداف سازمان به عنوان نهادهای عمومی باید تضمین شود و فرهنگ خود انتقادی گسترش یابد.

۳.۴. دادخواهی

منظور از دادخواهی روش‌ها و سازوکارهایی است که به ذی‌نفعان امکان دسترسی به ابزارهای شکایت از سازمان را می‌دهد (Hansen, 2008: 12). دادخواهی به این دلیل که امکان شکایت از اقدامات سازمان را برای ذی‌نفعان فراهم می‌کند، عنصری حیاتی برای تضمین پاسخگویی است. در سازمان پاسخگو، وجود مرجعی برای دادخواهی ذی‌نفعان از تصمیمات اتخاذی سازمان یا سیاست‌هایی که به چنین تصمیماتی منجر می‌شود، از ضروریات دسترسی به عدالت سازمانی است. همچنین در زمینه نقض‌های حقوق بشری باید گفت مکانیسم پاسخگویی خوب مکانیسمی است که مستقل از ارگان‌ها یا نهادهایی باشد که با نقض‌های مذکور یا شکایات مطروحه در ارتباطند (Johansen, 2020: 61) در هر سازمان بین‌المللی بسته به نیاز و ساختار آن سازمان، سازوکارهایی نیاز است که هم بدون تبعیض در دسترس همه ذی‌نفعان بوده و حمایت لازم را از آنان به عمل آورد و هم آنکه به سازمان کمک کند تا اشتباهات خود را شناسایی، اثربخشی برنامه‌های خود را بهبود بخشد و خطرهای سوء استفاده از قدرت را کاهش دهند. عملکرد مناسب سازوکار دادخواهی در گرو بهره‌مندی از سه ویژگی مهم است. سازوکار دادخواهی باید به دنبال توانمندسازی ذی‌نفعان و شنیدن نظرهای آنها در اجرای برنامه‌های فعلی و طراحی برنامه‌های آینده سازمان باشد. کارکرد بازدارنده داشته باشد و به کاهش فساد در سازمان و کاهش میزان سوءاستفاده از قدرت منجر شود و در نهایت سبب افزایش شفافیت در سازمان و اعتماد بیشتر به آن شود. چنانکه اشاره شد، فقدان نظام دادخواهی، احتمال موفقیت سایر مؤلفه‌های پاسخگویی را کاهش می‌دهد. هدف اصلی دادخواهی، تقویت ظرفیت و توان سازمان برای رسیدگی به شکایات مطروحه از سوی کارکنان، جوامع مدنی تحت تأثیر و عامه مردم است. وجود چنین سازوکاری امکان بررسی دادخواست‌های مطرح‌شده از عملکرد یک سازمان (نظیر برنامه‌ها، کیفیت کار، و انتخاب پروژه‌ها) تا شکایت‌های جدی (مثل فساد، سوء استفاده از بودجه، و سوء رفتار روانی و جنسی) را فراهم می‌سازد (Ammerschuber and Schenk, 2017: 3). نظام دادخواهی، به سازمان کمک می‌کند تا برنامه‌های خود را از نگاه ذی‌نفعان ارزیابی کند و آنها را به بهترین وجه با نیاز آنها انطباق دهد. وجود نظام دادخواهی مؤثر، ضمن جلوگیری از تکرار اشتباهات آتی، موجبات جبران خسارت‌های وارده را نیز فراهم می‌آورد. البته میان سازوکارهای رسیدگی به شکایات ذی‌نفعان داخلی و خارجی سازمان تمایز است و چنانکه اشاره شد، در شرایط کنونی، گروه نخست بیشتر نادیده گرفته شده و خلأ وجود نهادهایی برای اجرای عدالت نسبت به ذی‌نفعان خارجی در اغلب سازمان‌های بین‌المللی

ملموس است.^۱ برای مثال از زمان تأسیس سازمان ملل حوادث زیادی رخ داده که این نهاد را نسبت به نقض حقوق افراد پاسخگو کرده، اما به دلیل فقدان سازوکارهای لازم این امر محقق نشده است. اتفاقات رخ داده در عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد در رواندا، بوسنی، کامبوج، کنگو، تیمور شرقی و... که به کشتار و غارت و سوءاستفاده جنسی نیروهای حافظ صلح از مردمان محلی منجر شد، نه تنها به دلیل فقدان سازوکار دادخواهی برای قربانیان و خانواده‌های آنها، پاسخگویی سازمان ملل محقق نشد، بلکه مجمع عمومی که نگران تأثیر چنین شکایاتی بر وضعیت مالی سازمان بود، از دبیرکل درخواست کرد تا قطعنامه‌ای^۲ را به منظور محدود کردن مسئولیت سازمان ملل در قبال اشخاص ثالث صادر کند و متعاقب آن محدودیت‌های مالی و زمانی در این زمینه برقرار شد (Nanda, 2020: 382). در خصوص تحریم‌های اقتصادی شورای امنیت نیز این پرسش وجود دارد که چرا به‌رغم متأثر شدن حیات میلیون‌ها شهروند در کشورهای هدف تحریم، هیچ سازوکاری برای دادخواهی در دسترس ایشان قرار ندارد. مطابق گزارش گپ، در میان سه مؤلفه پاسخگویی، دادخواهی کمترین پیشرفت را در نهادهای جامعه جهانی دارد. از میان سازمان‌های مورد بررسی، سه برنامه ملل متحد، بانک توسعه اسلامی، بانک توسعه آمریکا و بانک توسعه آسیا روش‌هایی را برای رسیدگی به شکایات ذی‌نفعان خارجی پیش‌بینی کرده‌اند که در این میان یونپ و دو بانک توسعه آمریکا و آسیا از وضعیت بهتری برخوردارند. این دو بانک با الگوبرداری از بانک جهانی، سعی در ایجاد واحدهایی برای دادخواهی خارجی کرده‌اند که به رعایت محرمانگی و استقلال متعهدند و نحوه طرح شکایت و مراحل تحقیق را به‌روشنی مشخص کرده‌اند (Suzuki & Nanwani, 2005: 220). اما نهادهای ملل متحد یعنی برنامه توسعه، برنامه غذا و یونپ، به‌جای پیش‌بینی سازوکارهای شکایت خارجی مستقل به استفاده ذی‌نفعان خارجی از سازوکارهای موجود یعنی آیین‌های شکایت ذی‌نفعان داخلی، تمایل دارند. برای مثال برنامه غذا و برنامه توسعه ملل متحد اقدام به ایجاد راه ارتباطی دائمی برای طرح شکایت ذی‌نفعان خارجی و داخلی کرده‌اند. یونپ نیز بر اساس استانداردهای صادره توسط دبیرکل (استانداردهای ۲۰۰۵) اجازه می‌دهد تا شکایات خارجی مثل شکایات داخلی از طریق دفتر خدمات نظارتی داخلی^۳ ملل متحد یا دستیار دبیر کل منابع انسانی طرح شود. نقطه ضعف

۱. سه برنامه ملل متحد (یونپ، برنامه غذا و برنامه توسعه) در بین سازمان‌های بین‌المللی موضوع مطالعه گپ در حوزه رسیدگی به شکایات داخلی از وضعیت نسبتاً مطلوبی برخوردارند. دلیل این امر، فشارهای زیادی است که در سال‌های اخیر بر نظام سازمان ملل وارد آمده تا از افشاگران حمایت به‌عمل آورد. در پاسخ به این مسائل دبیر کل سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۵ استانداردهای جدیدی را برای حمایت از افشاگران ایجاد کرد. در حال حاضر سه نهاد گفته شده از این استانداردها استفاده می‌کنند و حتی بعضاً برای کاربرد بهتر، استانداردهای مصوب دبیرخانه را اصلاح کرده‌اند. وجود نهادهایی مثل بازرسی کل در چارچوب برنامه غذایی ملل متحد و نیز چارچوب حقوقی UNDP برای رسیدگی به شکایات مربوط به عدم مطابقت با استانداردهای رفتاری وضع شده توسط سازمان ملل متحد از جمله این تلاش‌هاست.

2. UN, General Assembly, A/RES/50/235.1996

3. Internal Oversight Services (IOS)

عملکرد سه برنامه ملل متحد این است که برای جوامع متأثر از پروژه‌های خود سازوکارهای خاصی را ایجاد نکرده‌اند. قلمرو شکایات نیز محدود به کلاه‌برداری، فساد و سوءمدیریت می‌شود. در میان نهادهای کنونی، بانک جهانی ترمیم و توسعه الگوی آیین دادخواهی پیشرفته است. مطابق ماده ۱ اساسنامه بانک، از جمله اهداف این نهاد، ایجاد تسهیلات لازم برای سرمایه‌گذاری در تولید، اعطای وام یا تضمین وام‌های بین‌المللی دیگر برای اجرای پروژه‌های مفید و فوری و مقابله با فقر در جهان است. در حال حاضر هدف ترمیمی بانک بیشتر در حوزه‌هایی مثل وقوع بلایای طبیعی و مخاصمات مسلحانه در کشورهای در حال توسعه و کشورهای با اقتصاد در حال گذار پیگیری می‌شود و در قلمرو توسعه نیز متوجه فقرزدایی است (بیگ‌زاده، ۱۳۹۶: ۶۸۳). هیأت بازرسی بانک جهانی که در سال ۱۹۹۳ تأسیس شده، اولین مرجعی است که برای دادخواهی مستقیم اشخاص خصوصی از یک سازمان بین‌المللی ایجاد شده است. این سازوکار محل رجوع نهادهای جامعه مدنی، جوامع محلی و شهروندانی است که تحت تأثیر آثار اجتماعی و زیست‌محیطی پروژه‌های تأمین اعتبار شده توسط بانک جهانی قرار گرفته‌اند (Barlas & Tasoni, 2015: 532). عامل اصلی که موجب تشکیل هیأت بازرسی شد، گزارش وین هانس بود که در نوامبر ۱۹۹۲ منتشر شد. گزارش مزبور ۱۳۰۰ پروژه در حال انجام در ۱۱۳ کشور را بررسی کرد. نتایج بررسی حاکی از این بود که ۳۷ درصد از پروژه‌هایی که بانک بودجه آنها را تأمین کرده، فاقد کیفیت لازم بودند و تنها ۲۲ درصد از آنها با استانداردهای بانک جهانی مطابقت داشتند (Brown & Fox, 1998: 91). گزارش وین هانس، ضمن تأکید بر افزایش مشارکت جامعه مدنی در پروژه‌ها و طراحی و اجرای آنها، پیشنهاد ایجاد یک سازوکار پاسخگویی مستقل -مانند یک هیأت بازرسی- و نیاز بانک جهانی به آن را طرح کرد (Schulte Schlemmer, 2001: 412). در کنار این گزارش، نمی‌توان از نقش پروژه نارمادا (سد سردار و پروژه برق) در غرب هند در ایجاد هیأت بازرسی چشم‌پوشی کرد. پروژه نارمادا مشکلات بانک جهانی را در مشارکت دادن جوامع محلی در روند توسعه اقتصادی آشکار کرد و با توجه به موج انتقادات وارده بر بانک، موجبات تأسیس هیأت بازرسی را فراهم ساخت.

مطابق قواعد آیین رسیدگی هیأت بازرسی، درخواست ارائه‌شده باید واجد شرایط زیر باشد: اولاً درخواست‌دهنده (گان) باید ثابت کند که شخصاً از برنامه‌ها یا پروژه‌های انجمن بین‌المللی توسعه یا بانک جهانی متأثر شده یا نماینده فرد یا افراد زیان‌دیده است، منظور از زیان، آسیب‌های اجتماعی یا زیست‌محیطی ایجادشده یا محتمل‌الوقوع در آینده است؛ ثانیاً باید ثابت شود که زیان وارده به متقاضی، ناشی از نقض سیاست‌ها و مقررات بانک توسط عوامل آن بوده و تلاش و پیگیری‌های قبلی برای ارائه درخواست به مدیریت بانک جهانی به نتیجه رضایت‌بخشی ن‌منجر شده است (Pereira, 2017: 10). مطابق داده‌های منتشرشده در سایت هیأت بازرسی از سال ۱۹۹۴ (سالی که اولین درخواست برای بازرسی ارسال شد) تا تاریخ ۱۱ فوریه ۲۰۲۱ تعداد ۱۵۰ تقاضای بازرسی (به‌طور میانگین حدود ۴/۵ درخواست در هر سال) از ۵۴ کشور که اغلب کشورهای در حال توسعه در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین

هستند، وصول شده است و برای برخی پروژه‌ها در کشورهای پاناما، هند، آلبانی آرژانتین و برزیل حتی بیش از یک درخواست ثبت شده که هیأت برای هریک از آنها جداگانه اقدام کرده است.

نکته شایان توجه اینکه اغلب درخواست‌ها توسط نهادهای جامعه مدنی ارائه شده است که شامل سازمان‌های غیردولتی ملی و محلی، انجمن‌های اجتماعی، مدنی، زیست‌محیطی و جنبش‌های مردمی می‌شود که منفرداً یا به نمایندگی از افراد اقدام به طرح دادخواست کرده‌اند.^۱ آمار مربوط به میزان قبولی درخواست‌ها هم شایان توجه است. ۵۷ درصد از کل درخواست‌ها توسط هیأت بازرسی پذیرفته شده و مدیریت بانک تصمیم به بازنگری در آن پروژه‌ها گرفته است و تنها ۱۵ دادخواست به دلیل فقدان شرایط از جمله مشخص نبودن زمان و دلیل درخواست، اتمام پروژه، تأدیة وام پرداختی، خروج موضوعی و عدم رعایت شرایط مربوط به خواهان‌ها توسط هیأت رد شده است.

اطلاعات یادشده چند نکته را آشکار می‌سازد. اینکه جامعه مدنی در وادار کردن یک سازمان بین‌المللی دولتی به تحقیق یا بازنگری در پروژه‌هایش و پاسخگو بودن توانسته موفق عمل کند، نرخ بالای نتایج حاصله بیانگر نفوذپذیری و کرنش بانک در برابر درخواست‌هاست. آمارها همچنین نشان می‌دهد که هیأت بازرسی به‌عنوان یکی از مظاهر دادخواهی جهانی به‌ویژه در سال‌های اخیر مورد استقبال ذی‌نفعان قرار گرفته است؛ به‌نحوی که طی پنج سال اخیر رشد نزدیک به ۵۰ درصدی در درخواست‌ها را شاهدیم.^۲ نکته پایانی اینکه در اثر فعالیت‌های هیأت بازرسی شاهد بهبود فرایندهای مشورتی با جوامع محلی، اجرای برنامه‌های جدید و به‌کارگیری منابع در جهت منافع افراد و جوامع محلی یا جبران خسارت وارده بر آنها و نظارت بر تأثیرات اجتماعی و زیست‌محیطی پروژه‌ها به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه هستیم.

با توجه به مقایسه‌های به‌عمل آمده می‌توان به‌جرات گفت که در حال حاضر هیأت بازرسی بانک جهانی مناسب‌ترین سازوکار برای دادخواهی ذی‌نفعان خارجی را در بین سازمان‌های بین‌المللی دولتی به خود اختصاص داده است، ساختاری که می‌تواند الگویی برای سایر نهادهای بین‌المللی جهت تحقق دادخواهی برون‌سازمانی باشد.

۵. مسئولیت حمایت و پاسخگویی

با اهمیت پیدا کردن موضوع امنیت انسانی و حقوق بشر، دکترین موسوم به مسئولیت حمایت در نظام بین‌الملل قوت گرفت. مسئولیت حمایت بر این ایده استوار است که در صورت نقض گسترده و نظام‌مند حقوق اساسی و بنیادین انسان‌ها، وظیفه حمایت از این حقوق در وهله اول مسئولیت دولت‌هاست که در

1. World bank 2021, The Inspection Panel, Panel Cases. at: <http://www.inspectionpanel.org/panel-cases>

۲. مطابق آمارها تا سال ۲۰۱۵ تعداد ۱۰۳ دادخواست در هیأت بازرسی ثبت شده بود که با توجه به آمار کنونی رشد ۴۵ درصدی را نشان می‌دهد.

صورت عجز از جلوگیری یا دخالت در این نقض، این مهم به جامعه بین‌المللی منتقل می‌شود (زمانی و زمانیان، ۱۳۹۵: ۶۳۴). در واقع مسئولیت حمایت مبین پاسخگویی جامعه بین‌المللی در زمینه حمایت از حقوق بشر است (Salinder & Wallace, 2015: 3).

پایه علمی و نظری مسئولیت به مقوله امنیت انسانی و حاکمیت به مثابه مسئولیت در قبال مسئولیت به مثابه کنترل بازمی‌گردد. مسئولیت حمایت که به اقدامات اشخاص ثالث برای جلوگیری از رفتار خشونت‌آمیز، تشدید خشونت مستمر و ظهور مجدد خشونت اشاره دارد، شامل سه رکن پیشگیری، واکنش و بازسازی می‌شود (Hilpold, 2014: 219). دکترین مسئولیت حمایت، مفهوم مطلق حاکمیت دولت‌ها را هدف قرار می‌دهد و معتقد است اگر دولتی به تعهدات خود در قبال شهروندانش عمل نکند، مداخله بشردوستانه برای حفظ امنیت انسانی و جلوگیری از تشدید سوءاستفاده از افراد انسانی توجیه قانونی پیدا می‌کند (Wallace & Silander, 2015: 3). با این همه لزوم واکنش سریع و جدی به نقض‌های بنیادین حقوق بشر در قالب مسئولیت حمایت همچنان یک قاعده حقوق نرم بوده و مشخص نیست که چه زمانی جایگاه سخت را به دست خواهد آورد (میرعباسی و محمدی، ۱۳۹۶: ۱۹). اختلاف نظر دولت‌ها و اراده سیاسی آنها مانعی جدی بر سر راه تبدیل این دکترین به قاعده الزام‌آور بین‌المللی است (موسی‌زاده و حسین‌زاده، ۱۳۹۹: ۴۷۰).

اما در چارچوب بحث پاسخگویی سازمان‌های بین‌المللی، شاهد اقداماتی از سوی سازمان ملل متحد و برخی سازمان‌های منطقه‌ای جهت حفاظت از حقوق ذی‌نفعان خارجی (اتباع کشورهای عضو) در قبال نقض‌های به عمل آمده از سوی دولت‌های متبوعشان هستیم. این سازمان‌ها هرچند به صراحت نامی از مسئولیت حمایت نبرده‌اند، اما تلاش‌هایشان در چارچوب این دکترین قرار می‌گیرد، از این رو بررسی رویه این سازمان‌ها می‌تواند مثال مناسبی از پاسخگویی سازمانی در عمل باشد، هرچند تلاش‌های به عمل آمده در اغلب موارد صرفاً به صدور قطعنامه در خصوص ضرورت حمایت از شهروندان و افراد غیرنظامی خلاصه شده و اقدامات عملی بیشتر با شکست مواجه شده است.

۵.۱. سازمان ملل متحد

شورای امنیت سازمان ملل در قضایای لیبی، دارفور و ساحل عاج به عملکرد فعالانه‌ای داشته و قطعنامه‌های متعددی را در زمینه حمایت از افراد انسانی و حقوق آنها صادر کرده است. برای مثال قطعنامه شماره ۱۹۳۷ مصوب ۲۰۱۱ در خصوص لیبی شایان ذکر است که شورای امنیت به اعضا اجازه می‌دهد از طریق تدابیر داخلی یا سازمان‌ها و ترتیبات منطقه‌ای اقدامات لازم برای حمایت از شهروندانی که در معرض حملات معمر قذافی قرار گرفته‌اند، را به عمل آورند.^۱

1. <https://www.un.org/press/sc10200.doc.htm/en/2011>

همین شورا در قضایای سوریه، بحرین و یمن به دلیل ممانعت روسیه و چین با هرگونه مداخله و ونوی مکرر قطعنامه‌های پیشنهادی توسط آنها، رویکردی منفعلانه داشته و با وجود طولانی و گسترده بودن جنایات ارتكابی در کشورهای مزبور از ابزار مسئولیت حمایت استفاده‌ای نکرده است (موسی‌زاده و حسین‌زاده، ۱۳۹۹: ۴۸۷).

در میان سازمان‌های منطقه‌ای عملکرد اتحادیه آفریقا، اتحادیه عرب، آسه‌آن و سازمان همکاری و امنیت اروپا شایان توجه است.

۵.۲. اتحادیه آفریقا

این سازمان در بحران‌های لیبی، برون‌دی، جمهوری آفریقای مرکزی و شمال شرق نیجریه، اقداماتی را در چارچوب حمایت از شهروندان این کشورها به عمل آورده است. با شروع بحران لیبی، شورای صلح و امنیت اتحادیه (PSC) تشکیل جلسه داد و در قطعنامه خود به وضعیت نگران‌کننده غیرنظامیان و کارگران مهاجر تأکید کرد. افزون بر این کمیته موقت شورای اتحادیه طرح خود را برای انتقال مسالمت‌آمیز قدرت ارائه داد و پیشنهاد اعزام نیروهای ناظر و حائل را مطرح کرد (Kingah & Seiwert, 2016: 132-133). با این حال اختلاف در سازمان در مورد لزوم پاسخگویی و عدم تمایل اعضا به اعزام نیروهای زمینی به عنوان ناظر مانع از پاسخگویی اتحادیه آفریقا در این بحران شد.

در قضیه برون‌دی که پس از چندین سال جنگ داخلی وضعیت با انعقاد معاهده صلح آروشا به ثبات رسیده بود، مجدداً برگزاری انتخابات ۲۰۱۵ سبب خشونت شدید در این کشور شد، به نحوی که نهادهای منطقه‌ای مثل جامعه آفریقای شرقی (EAC)، بازار مشترک شرق و غرب آفریقا (COMESA) و اتحادیه آفریقا، در کنار سازمان ملل اقدام به صدور بیانیه‌هایی برای پایان بخشیدن به این خشونت کردند. شورای صلح و امنیت اتحادیه نیز برای حمایت از غیرنظامیان تشکیل جلسه داد^۱ و در جولای همان سال نیز با هدف ناظران نظامی و حقوق بشری را به این کشور فرستاد. این اقدامات اتحادیه در چارچوب رکن واکنش که از ارکان مسئولیت حمایت است قرار می‌گیرد و حکایت از تلاش این سازمان برای جلوگیری از تشدید خشونت مستمر در کشور برون‌دی دارد.

۵.۳. اتحادیه عرب

این سازمان منطقه‌ای در بحران‌های سوریه و لیبی از سازوکار مسئولیت حمایت استفاده کرده است.

1. Communique of the 55s' Meeting of the Peace and Security Council, (Oct. 19. 2015) <http://www.peaceau.org/en/article/communique-of-the-55-1st-meeting-of-the-peace-and-security-council> [https://perma.cc/ZEA9-UKHY].

زمانی که درگیری سوریه در اواخر سال ۲۰۱۱ به اوج رسید، اتحادیه طرح صلحی را ارائه داد و از سوریه خواست به گروه‌های امداد اجازه دسترسی به مناطق غیرنظامی را بدهد، در نتیجه بی‌توجهی سوریه و عدم اجرای این طرح، اتحادیه عضویت این کشور را به حالت تعلیق درآورد که در نتیجه آن سوریه پذیرفت اجازه ورود ناظران را به این کشور بدهد و با سازمان ملل نیز همکاری بیشتری کرد (Kingah & Seiwert, 2016: 143). با این همه، وجود اختلاف میان پنج کشور عرب حوزه خلیج فارس این اتحادیه نتوانست در بحران سوریه، مسئولیت حمایت را به‌طور مؤثر اعمال کند. این سازمان در بحران لیبی نیز صرفاً خواستار توقف خشونت و حمایت از غیرنظامیان شد و اقدام عملی مؤثری برای حمایت از شهروندان لیبی به‌عمل نیاورد (Kingah & Seiwert, 2016: 145).

۵.۴. اتحادیه دولت‌های جنوب شرق آسیا

این سازمان به‌رغم برخورداری از ارکانی همچون انجمن منطقه‌ای آسه آن^۱ و کمیسیون دولتی حقوق بشر^۲ که ابزارهای مؤثری در استفاده از مسئولیت حمایت محسوب می‌شوند، نتوانست در بحران میانمار عملکرد خوبی داشته باشد. علت عمده این شکست به مخالفت اندونزی و ویتنام و چین بازمی‌گردد که اعضای غیردائم و دائم شورای امنیت سازمان ملل هم هستند. کشورهای مزبور با تکیه بر اصل منع مداخله در امور داخلی کشورها، هر اقدامی در چارچوب مسئولیت حمایت را رد می‌کردند (Bellamy & Beeson, 2010: 262). در مجموع پاسخ آسه آن به بحران میانمار و اقدامات به‌عمل آمده توسط این سازمان نشان‌دهنده حرکت به سمت حاکمیت مسئولانه است، با این توضیح که کشورهای منطقه جنوب شرق آسیا، استناد به حاکمیت را به‌عنوان توجیهی برای انجام هر رفتاری با شهروندان نمی‌پذیرند. بررسی عملکرد سازمان‌های بین‌المللی در حوزه حمایت از حقوق شهروندان و غیرنظامیان در کشورهای درگیر بحران‌ها و جنگ‌های داخلی نشان از تمایل این سازمان‌ها به استناد به مسئولیت حمایت دارد، هرچند بنا به دلایلی از جمله قوام نیافته بودن قواعد مربوط به مسئولیت حمایت و عدم همکاری کشورهای عضو در زمینه‌سازی تمهیدات اجرایی و عملی که ریشه در وابستگی سازمان به دولت‌های عضو دارد، اقدامات به‌عمل آمده همواره موفقیت‌آمیز نبوده است.

۶. نتیجه

در عصر جهانی شدن نقش و اثرگذاری سازمان‌های بین‌المللی دولتی مختلف به‌عنوان یکی از بازیگران مهم جامعه جهانی بیش از پیش شده است. این سازمان‌ها فارغ از آنکه مثل شورای اروپا، اتحادیه اروپا، بانک توسعه

1. ASEAN Regional Forum (ARF)

2. ASEAN Inter-governmental Commission on Human Rights (AICHR)

آمریکا اتحادیه آفریقا، اتحادیه عرب و ... در سطح منطقه ای فعال باشند یا مثل سازمان ملل متحد، بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی و ... در سطح جهانی، جدای از اینکه همانند بانک توسعه اسلامی، شورای اروپا و ... در زمینه‌های تخصصی فعالیت داشته باشند یا آنکه نظیر ملل متحد دامنه فعالیتشان عام باشد، به‌عنوان بازیگران جامعه جهانی با تصمیمات خود حیات افراد جوامع مختلف را متأثر می‌سازند، زیرا که با گسترش حاکمیت جهانی بسیاری از اعمال اداری و نظارتی اکنون به‌جای چارچوب ملی در شکلی فراملی و جهانی اعمال می‌شود. با این همه، به‌دلیل نوپا بودن این نظم حقوقی، سازوکارهای پاسخگویی سازمان‌ها در قبال ذی‌نفعان و شهروندان جهانی به‌ویژه ذی‌نفعان خارجی توسعه کمی یافته است و هرچند در چارچوب ادبیات جهانی شدن و حقوق بشر، مفهوم پاسخگویی سازمان‌های بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است، اما ابزارهای پاسخگویی سازمان‌ها به‌دلیل قوام‌نیافتگی حقوق اداری جهانی و نیز فشارهای وارده از سوی دولت‌ها بر فرایند تصمیم‌گیری و عملکرد سازمان‌های بین‌المللی با مشکلاتی مواجه است. سازمان‌های بین‌المللی باید نقش فعال‌تری در بهبود پاسخگویی اجتماعی خود ایفا کنند و از قدرت خود برای گردهم‌آوری و مشارکت بازیگران دولتی جوامع مدنی جهت بحث در خصوص مسائل مختلف و مرتبط با ذی‌نفعان استفاده کنند، در ارائه اطلاعات خود شفاف عمل کنند و حق دادخواهی ذی‌نفعان را به رسمیت بشناسند.

ارزیابی‌های به‌عمل‌آمده از عملکرد سازمان‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که تحت فشارهای ایجادشده از سوی جامعه مدنی محلی و جهانی، امروزه سه شاخص پاسخگویی یعنی مشارکت، شفافیت و دادخواهی به‌صورت پراکنده و غیرمنسجم در برخی از سازمان‌های بین‌المللی دولتی به‌کار گرفته می‌شود که در این میان مشارکت با استقبال بیشتری مواجه شده است و پس از آن شفافیت و سپس دادخواهی قرار دارد. در یک کلام اولاً در وضعیت کنونی ما با تصویری کلی، غیرمنسجم، اما رو به رشد از تعامل سه اصل یادشده مواجهیم. به‌نحوی که سازوکارهای پاسخگویی در برخی از سازمان‌ها یا ارگان‌ها و بخش‌هایی از آنها از رشد بیشتری نسبت به برخی دیگر برخوردار است؛ ثانیاً تحقق کامل روند پاسخگو کردن سازمان‌های بین‌المللی به‌گونه‌ای که منطبق بر الگویی منسجم و مشخص باشد بیش از هر چیز نیازمند تقویت حقوق اداری جهانی است. طبق این الگو، نهادهای مزبور باید اقدام به ایجاد چارچوب‌های لازم و تنظیم دستورالعمل‌هایی برای عناصر سه‌گانه پاسخگویی کنند و تنها در این صورت است که می‌توان امید به اجرای دموکراسی مستحکم‌تر در سطح جهانی داشت. حقوق اداری جهانی به‌دنبال گردآوری و تنظیم این اصول و رویه‌های پراکنده در یک نظم واحد است تا از آن طریق، ضمن اجرای حقوق بشر مشروعیت این نهادهای بین‌المللی نیز افزایش یابد، البته تحقق این امر منوط به غلبه بر چالش‌های پیش‌رو است که خود تحقیقی جداگانه می‌طلبد. اما در این حقیقت تردیدی نیست که اگر سده بیستم، قرن پیدایش و ازدیاد سازمان‌های بین‌المللی دولتی نامیده شده، سده بیست‌ویکم را باید سده شکل‌گیری نظام مسئولیت و پاسخگویی این نهادها نامگذاری کرد.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. بیگزاده، سید ابراهیم (۱۳۹۶). *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*، تهران: مجد.
۲. زمانی، سید قاسم (۱۳۹۹). *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*، تهران: شهر دانش.

ب) مقالات

۳. الوانی، سید مهدی و احمدی، کیومرث (۱۳۹۲). مفهوم پاسخگویی اجتماعی سازمانی و ضرورت تبیین مؤلفه‌های آن در سازمان‌های دولتی ایران. *فصلنامه مدیریت سازمان‌های دولتی*، (۳) ۱، ۸-۱۶.
۴. رحمتی‌فر، سمانه (۱۳۹۴). «ظرفیت سنجی فرایند ایجاد قاعده حقوقی به‌عنوان مبنای قواعد متکثر حقوقی در دوران جهانی شدن (آیا مبنای قاعده حقوقی عینی شده است)». *فصلنامه پژوهش‌های حقوق عمومی*، ۱۶ (۴۶)، ۱۹۱-۲۱۱.
۵. رستمی، ولی و رنجبر، احمد (۱۳۹۳). «عدالت اداری: چارچوب مفهومی و سازوکارهای نهادی»، *فصلنامه دانش حقوق عمومی*، ۳ (۷)، ۱۱۵-۱۳۴.
۶. زمانی، سید قاسم؛ زمانیان، سورنا (۱۳۹۵). «جایگاه دکترین مسئولیت حمایت در بحران سوریه»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، ۴۶ (۳)، ۶۲۷-۶۴۸.
۷. موسی‌زاده، رضا و حسین‌زاده، سارا (۱۳۹۹). ارزیابی عملکرد شورای امنیت سازمان ملل متحد در بهره‌گیری از دکترین مسئولیت حمایت. *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، ۵۰ (۲)، ۴۶۵-۴۹۰.
۸. میرعباسی، سید باقر و محمدی، عقیل (۱۳۹۶). چالش‌های اجرایی نظریه مسئولیت حمایت با نگاهی به وضعیت لیبی و سوریه. *فصلنامه پژوهش‌های حقوق عمومی*، ۱۹ (۵۷)، ۹-۳۸.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Blokker, N. Schermers, H,G (2001). *Proliferation if International Organizations: Legal Issues*. The Hague; Boston: Kluwer Law International.
2. Brown, L,D., & Fox J.A. (1998). *The Struggle for Accountability: The World Bank, NGOs and Grassroots Movemnets*. Cambridge: The MIT Press.
3. Freeman, R (1984). *Strategic Mnagement: A Stakeholder Approach*. Boston: Pitman.
4. Hansen, J,Ch. (2008). *The Danish Refugee Council Complaints Mechanism Handbook*.
5. Hilpold, P. (2014). *R2P A New Paradigm of International Law?*. Brill.
6. Johansen, S. (2020). *The Human Rights Accountability Mechanisms of International Organizations*. Cambridge University Press.
7. Risse, T. (2006). *Transnational Governance and Legitimacy, in Governance and Democracy: Comparing National, European and International Experiences*. First

Edition.

8. Silander, D. & Wallace, D. (2015). *International Organizations and the implementation of the Responsibility to protect, The Humanitarian Crisis in Syria*. Routledge.
9. Tyler, T.R. (2005). *Procedural Justice*, Vol. I & II. Routledge.

B) Articles

10. Ackerman, J.M. (2005). Human Rights and Social Accountability. *Social Development Paper*, 86, 1-30.
11. Backstrand, K. (2006). Democratizing Global Environmental Governance? Stakeholders Democracy after the World Summit on Sustainable Development. *European Journal of International Relations*, 12, 467-498.
12. Barlas, D. Tassoni, T (2015). The Inspection Panel of the World Bank: An Effective Extrajudicial Complaint Mechanism? In book: *The World Bank Legal Review Improving Delivery in Development: The Role of Voice. Social Contract, and Accountability*, 6, 531-544.
13. Bellamy, A.J., & Beeson, M (2010). The Responsibility to Protect in Southeast Asia: Can ASEAN Recouncil Humanitarianism and Sovereignty?. *Asian Security Journal*. 6, 262-279.
14. Bernstein, S. (2011). Legitimacy in Intergovernmental and Nonstate Global Governance. *Review of International Political Economy Journal*, 18, 17-51.
15. Boon, K., & Megret, F. (2019). New Approaches to the Accountability of International Organizations. *International Organizations Law Review*, 16, 1-10.
16. Bovens, M. (2007). Analysing and Assessing Accountability: A Conceptual Framework. *European Law Journal*, 13, 447-468.
17. Bovens, M. (2010). Two Concepts of Accountability: Accountability as a Virtue and as a Mechanism. *West European Politics Journal*, 33, 946-967.
18. Hafner, G. (2003). *Accountability of international organizations*. Cambridge University Press. 97, 236-240.
19. Kingah, S., & Seiwert, E (2016). The Contested Emerging in Norm and Practice of Responsibility to Protect: Where are Regional Organizations?. *N.C.J. International Law*. 42, 115-190.
20. Kingsbury, B., Krisch, N., & Stewart, R. (2005). The Emergence of Global Administrative Law. *Journal of Law and Contemporary problems*, 68 (3/4), 15-61.
21. Meehan, J., Meehan, K., & Richards, A. (2006). Corporate Social Responsibility: The 3C-SR Model”, *International Journal of Social Economics*, 33(5/6), 386_398.
22. Nanda, V,P (2020) “Accountability of International Organizations: Some Observations. *Denver Journal of International Law*, Vol. 33 (3), pp. 379_390.
23. Pereira, E,A. Horochovski, R. De Almeida Cruz,M. Rodrigues, N (2017). “Accountability in International Organizations: the Case of the World Bank. *Journal of the Brazilian Political Science Association*, 11, 1_28.
24. Schulte-Schlemmer, S. (2001). The Impact of Civil Society on the World Bank, the International Monetary Fund and the World Trade Organization: the Case of The World Bank. *ILSA Journal of International and Comparative Law*. 7, 400-428.
25. Suzuki, E., & Nanwani, S. (2005). Responsibility of International Organizations: The Accountability mechanisms of Multilateral Development Banks. *Michigan Journal of*

C) Websites

26. Ammerschuber, L, Schenk,E (2017). Complaints Mechanisms for None Governmental Organizations. ATLASWOMEN, May 23, at: <https://www.atlaswomen.org/s/practitioners-Guid-NGO-Complaints-Mechanisms>.
27. Burall, S. Neligan, C (2005). The Accountability of International Organizations. at: https://www.gppi.net/media/Burall_Neligan_2005_Accountability.
28. WORLD BANK (2021). The Inspection Panel, Panel Cases. at: <http://www.inspectionpanel.org/panel-cases>.

D) Documents

29. Lloyd, R. Oatham, J. Hammer, M. (2007). Global Accountability Report. at: https://www.oneworldtrust.org/uploads/1/0/89/108989709/2007_gar_breifing
30. The International Law Association, Final Report, Berlin Conference 2004.Accountability of international Organizations.
31. UNDP Report on Social Accountability in Changing Region-Actors and Mechanisms, 2014. Available at: https://www.arabstates.undp.org/content/rbas/en/home/library/Dem_Gov/Social_Accountability_Changing_Region_Governance_Week.html

